

نظر به اهمیت اقدام اتحادیه اروپا در صدور بیانیه مشترک با شورای همکاری خلیج فارس در مورد جزایر ایرانی تنب و ابو موسی که آشکارا اتحادیه اروپا را از بیطرفی در این مورد خارج کرده و می تواند نخستین گام در رسمیت دادن به ادعاهای غیر قانونی امارات متحده عربی در زمینه وجود «اختلافات» سرزمینی میان ایران و آن اتحادیه تلقی شود، آقای دکتر پیروز مجتهدزاده ترجیح داده اند گزارش سالانه «جهان سیاسی در سالی که گذشت» را به شماره آینده اطلاعات سیاسی-اقتصادی موقوف شود و در این شماره، به خلاف اصول بودن اقدام اتحادیه اروپا و غیر قانونی بودن ادعاهای امارات متحده عربی پرداخته شود.

### پیشگفتار

تژادپرستی های ضد ایرانی برخی از عربان است، در سخنرانی های اهانت آمیز خود در پایتخت ایران به کار گرفت و کینه دشمنی شخصی و تژادی خود را با ایران و ایرانی ثابت کرد. همچنین باید گفت که گرچه رژیم تژادپرست بعثی عراق، این بزرگترین دشمن همکاری های ایرانی-عربی در خلیج فارس، از میان رفته و تبلیغات تژادپرستانه ضد ایرانیش فروکش کرده است، هنوز هستند عناصری در دنیای عرب، بویژه در کویت، قطر، عربستان و در میان خانواده حاکم بر ابوظبی که تحت تأثیر تبلیغات زهر آگین آن رژیم ضد انسانی، همچنان با ایران و هر چه مربوط به ایران است سرسختی دارند.

### جرا اتحادیه اروپا بیطرفی را

#### از دست می دهد؟

در جنجال تبلیغاتی بزرگی که ایالات متحده آمریکا در دو سال اخیر بر ضد ایران به راه انداخته است و می خواهد بایی گیری همیت تلاش برای دستیابی به جنگ افزارهای اتمی، این کشور را با اصطلاح تنبیه کند، اتحادیه اروپا و پاکوشیده است و می کوشد ضمن جلوگیری از تجاوز کاری های خلاف اصول نسبت به ایران، این کشور را برای مقاصد گوناگون دیگر زیر فشار بگذارد. ادامه یافتن این وضع ناهنجار و تساهل و تسامحی که از سوی دولت ایران در قبال آن نشان داده شده است، گویی بندار «قیم» بودن اتحادیه اروپا نسبت به ایران را در میان برخی از اعضای اتحادیه مانند فرانسه و در میان برخی از عربان پدید آورده است. از سوی دیگر، اتحادیه اروپا که از راه یک کمیسیون مشترک اقتصادی با شورای همکاری خلیج فارس ارتباط دارد، آشکارا تحت تأثیر اغواگری های مالی و اقتصادی شورای یادشده دبیر کلش قرار گرفته است. نخستین بار در فوریه ۲۰۰۲ کمیسیون

بیانیه مشترک ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ (۱۷ مه ۲۰۰۴) اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس، بی گمان دخالتی آشکار در امور داخلی ایران به شمار می آید. نگارنده، با طرح این مطلب در رسانه های ملی و بین المللی، از جمله در مصاحبه ای با رادیو اروپای آزاد در ۱۹ مه ۲۰۰۴، خواستار تجدید نظر اتحادیه اروپا در این جهت گیری مداخله جویانه شد. کریستینا گلاچ-Christina Gal-lach، سخنگوی خاویر سولانا Javier Solana، مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا، در همان برنامه رادیویی مدعی شد که صدور بیانیه یادشده، اتحادیه اروپا را از بیطرفی در مسأله ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی خارج نخواهد ساخت. این ادعا، به دلایلی که خواهد آمد، نادرست است.

اما پیش از پرداختن به مداخله جویی و خروج اتحادیه اروپا از بیطرفی، خوب است یادآوری شود که از شورای همکاری خلیج فارس، و «العطیه» دبیر کل کنونی آن که در مواردی چند گرایش های تند عربی (تژادپرستی ضد ایرانی) خود را آشکار کرده است، انتظاری جز آنچه او گفته است و می گوید، نبوده و نیست. این شخص قطری تبار نزدیک به یک سال پیش در نشست وزیران خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران، به واقع همه اصول و معیارهای جاری و حاکم بر روابط بین الملل را زیر پا گذاشت و موضوع توسعه طلبی های سرزمینی ابوظبی را، بی اجازه و هماهنگی های لازم و خارج از دستور کار نشست، بر ضد ایران مطرح کرد و بر خلاف روش جاری در دنیای عرب که در محافل فراربعی از کاربرد نام جعلی برای خلیج فارس خودداری می شود، این نام را که نشان دهنده

## دخالت اتحادیه اروپا به سود توسعه طلبی های ابوظبی در مورد جزایر تنب و ابو موسی : اهانتی به یکپارچگی سرزمینی ایران

از : دکتر پیروز مجتهدزاده

○ گرچه رژیم نژادپرست بعثی عراق، این بزرگترین دشمن همکاری های ایرانی -عربی در خلیج فارس، از میان رفته و تبلیغات نژادپرستانه ضد ایرانیش فروکش کرده است، هنوز هستند عناصری در دنیای عرب، بویژه در کویت، قطر، عربستان و در میان خانواده حاکم بر ابوظبی که تحت تأثیر تبلیغات زهر آگین آن رژیم ضد انسانی، همچنان با ایران و هر چه مربوط به ایران است سرستیز دارند.

شرایطی، پیشنهاد یا حتی اشاره به میانجی گری از سوی اتحادیه اروپا، آن اتحادیه را از حالت بیطرفی خارج می کند. بدین سان با توجه به اینکه میان ایران و امارات متحده عربی «اختلافی» وجود ندارد آنچه هست ادعای بی پایه امارات نسبت به خاک ایران است، آشکار می شود که اتحادیه اروپا می کوشد با پیش کشیدن بحث میانجی گری در باصطلاح «اختلافهای» ایران و امارات، جنبه ای حقوقی به ادعاهای ابوظبی دهد، در حالی که این ادعاها چنان که خواهد آمد، غیر قانونی است.

۳. از آنجا که ابوظبی برای سیاسی و بین المللی کردن ادعاهایش در مورد خاک ایران پیوسته سخن از ارجاع خواسته یک جانبه خود نسبت به خاک ایران به مراجع بین المللی دارد، اشاره به این خواسته و تأیید آن از سوی اتحادیه اروپا به معنی رسمیت دادن به خواسته غیر منطقی و غیر قانونی امارات متحده عربی خواهد بود و اتحادیه اروپا با این کار، به سود ابوظبی از بیطرفی دور می شود.

۴. اتحادیه اروپا باید بداند که در دسامبر ۱۹۷۱، ابوظبی همراه چهار کشور دیگر عربی بر سر این جزایر به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت برده بود که شورای امنیت پس از بررسی پرونده این شکایت، در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۱ آن را بست و بایگانی کرد. آیا هیچ کشوری حاضر خواهد بود هر بار که کشور دیگری به هوس ادعای مالکیت نسبت به سرزمینش می افتد، روانه مراجع بین المللی شود؟ همچنین، شایان توجه اتحادیه اروپا این است که به مراجع و دیوان بین المللی در صورتی ضرورت می یابد که طرفین همفراههای دیگر، بویژه «مذاکرات مستقیم»، را پیموده باشند. در حالی که امارات متحده عربی با تزویر آشکار، ایران را متهم به خودداری از گفتگویی کند، ابوظبی در پنج باری که ایران برای مذاکره مستقیم با پیش نهاده، از این کار طفره رفته است و باز با تکرار همان تهمت ها، تزویر خود را به نمایش می گذارد. آشکار است که اتحادیه اروپا با بی اعتنائی به این حقایق، ادعاهای امارات متحده ادر شرایطی یکسره غیر منطقی مورد توجه قرار داده و از بیطرفی دست کشیده است.

### ادعاهای امارات غیر قانونی است

اگر اتحادیه اروپا پیش از نشست وزیرانش با مسئولان شورای همکاری خلیج فارس، چندو چون مسئله، پیشینه تاریخی و جنبه های جغرافیایی ادعا،

مشترک اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس با صدور بیانیه مشترک از پیشرفت همکاری های ایرانی-عربی در خلیج فارس ابراز خرسندی کرد ولی از «حل نشدن اختلافهای ایران و امارات بر سر جزایر تنبو ابو موسی» ابراز تأسف نمود. گرچه این رویکرد دخالتی ملاحظه در امور داخلی ایران بود و در همین ماهنامه مورد اعتراض نگارنده قرار گرفت، ولی وزارت امور خارجه ایران بدان نپرداخت و بی اعتنا از کنار موضوع گذشت. بدیهی است چنانچه وزارت امور خارجه ایران در همان هنگام به این دخالت آشکار در امور داخلی ایران اعتراض می کرد، ممکن بود این بار اتحادیه اروپا در صدور بیانیه پیشتر اندیشه کند. گرچه بر خورد ملامت و غیر خصمانه دولت و وزارت امور خارجه ایران با ادعاهای توسعه طلبی های ابوظبی، در شرایط کنونی، بر خوردی شایسته است، ولی باید توجه داشت که در مسائل سرزمینی حتی یک بار هم نباید «تساهل» و «تسامح» نشان داد.

با توجه به این که همه کشورهای جهان جز عراق زیر فرمان رژیم بعثی و اتحادیه معلوم الحال عرب و شورای معلوم الحال همکاری عربان در خلیج فارس در مسأله ادعاهای سرزمینی امارات متحده عربی نسبت به خاک ایران اعلام بیطرفی کرده و حتی از به کار بردن واژه «اختلاف» میان دو طرف باز تکرار گفته ها و خواسته های آنها خودداری کرده اند، اتحادیه اروپا با صدور بیانیه مشترک ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۸۳ مرتکب خطاهای سیاسی و حقوقی زیر شده است:

۱. با اشاره به لزوم حل شدن «اختلافها» میان دو طرف، این اتحادیه به گونه رسمی پذیرفته است که ایران و امارات متحده عربی اختلافهای سرزمینی دارند و این، خلاف حقیقت است. گرچه ابوظبی با توسل به تعاریف غیر قانونی می کوشد جنبه ای مشروع و قانونی به ادعاهای سرزمینی خود دهد، ولی واقعیت از دید ایران این است که اختلافی در میان نیست و آنچه هست محدود می شود به ادعاهای بی پایه و اساس ابوظبی نسبت به خاک ایران. اتحادیه اروپا با صدور بیانیه مشترک و ذکر واژه «اختلافها» میان ایران و امارات، که خواسته ابوظبی بوده است، آشکارا جانب امارات را گرفته و از حالت بیطرفی خارج شده است.

۲. پیشنهاد میانجی گری هنگامی می تواند مطرح شود که هر دو طرف معتقد به وجود «اختلاف» باشند، در حالی که در این مورد آنچه وجود دارد ادعاهای غیر قانونی ابوظبی نسبت به خاک ایران است. در چنین

می سازد.

۳. در نشست شورای عالی اتحادیه امارات در ۱۲ مه ۱۹۹۲، حاکم شارجه که طرف اصلی قرار داد با ایران در مورد ابو موسی است، از تفویض اختیارات خود به دولت اتحادیه خودداری و با اعلام این که «ما با ایران قرار دادی رسمی داریم و از این وضع راضی هستیم» جلسه شورای عالی را ترک کرد. بی‌اعتنایی حاکم ابوظبی (که بر خلاف نص صریح قانون اساسی اتحادیه بیش از سی و سه سال است ریاست اتحادیه را به زور به خود اختصاص داده است) به این اعتراض‌ها و اقدام او در گرفتن اختیارات نسبت به جزیره ابو موسی در غیاب حاکم شارجه، طرح هر گونه ادعای نسبت به جزیره ابو موسی از سوی او را غیر قانونی می‌سازد.

۴. ابوظبی با تجاوز و ترویر می‌کوشد پس گرفته شدن جزایر تنب و ابو موسی از سوی ایران را اشغال (غیر قانونی) این جزایر قلمداد کند. ابوظبی فرستادن یک ناو دریایی ایران به جزایر تنب و ابو موسی در تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ برای افراشتن پرچم ایران در آن جزایر را که بر اساس توافق‌های رسمی با بریتانیا صورت گرفته است بهانه قرار داده و این اقدام قانونی و مرسوم به هنگام دست به دست شدن زمین‌ها را «اشغال جزایر» و نامردمی کند. افراشتن پرچم کشور دریافت کننده سرزمین‌های دست به دست شده میان دو کشور، با فرستاده شدن ناوی از سوی کشور دریافت کننده، روشی جاری است، چنان که ایالات متحده نیز به هنگام دریافت آلاسکا از روسیه، ناوی به آن سرزمین گسیل کرد تا پرچم ایالات متحده را در آنجا برافرازد. معلوم نیست ابوظبی چگونه می‌تواند استقبال رسمی برادر حاکم شارجه از یکان نیروی دریایی ایران در جزیره ابو موسی را «اشغال آن جزیره» معرفی کند؟ در جزیره تنب بزرگ سوء تفاهمی میان فرمانده انگلیسی پاسگاه رأس الخیمه و افراد عراقی که بدانجا رفته بودند سبب تیراندازی شد و این تیراندازی یکان دریایی ایران را که بر پایه توافق‌های رسمی با بریتانیا برای تحویل گرفتن جزیره رفته بود، واداشت تا افراد مستقر در پاسگاه یاد شده را دستگیر کند و تحویل رأس الخیمه دهد. ابوظبی این رویداد کوچک ناشی از سوء تفاهم میان تفنگداران رأس الخیمه را با ترویر می‌شگفت‌انگیز «اشغال نظامی» جزیره از سوی ایران می‌نامد. بدیهی است شناخته شدن چنین ادعاهای بی‌بایه و بی‌ارزشی به عنوان «اختلاف‌های» ابوظبی با ایران، از سوی اتحادیه اروپا غیر قانونی است.

اعتبار حقوقی آن امور در بررسی قرار داده بود، با غیر قانونی بودن این ادعا آشنا شده و دریافت بود که چر اهمه کشورهای جهان جز مشتی عرب در چند کشور این موضوع را به هیچ می‌گیرند. اتحادیه اروپا باید توجه می‌کرد که جزایر تنب و ابو موسی پس از ۶۸ سال اشغال توسط بریتانیا که در آن هنگام دولت رسمی امارات یاد شده بود، بر پایه مذاکرات و توافق‌های رسمی به ایران بازگردانده شده است و حتی تفاهم نامه‌ای رسمی میان ایران و شارجه زیر نظر دولت بریتانیا به امضا رسیده است. به هر روی ادعاهای ابوظبی نسبت به این جزایر غیر قانونی است زیرا:

۱. دولت امارات متحده عربی پس از بازگشت داده شدن این جزایر به ایران توسط بریتانیا پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس در ۳۱ نوامبر ۱۹۷۱ تشکیل شده است و بر این مقررات بین‌المللی، حکومتی که در تاریخ معینی بریامی نشود نمی‌تواند نسبت به قرار دادهای پیش از تشکیل خود ادعایی مطرح کند، مگر آن که قرار داد یا قرار دادهای امضا شده پیش از تشکیل خود را رسماً گان لم یکن اعلام کرده باشد. آشکار است که نه تنها امارات متحده پس از تشکیل، این تفاهم نامه را گان لم یکن اعلام نکرده، بلکه شورای عالی اتحادیه امارات در نشست فوق‌العاده ۱۲ مه ۱۹۹۲ تعهدات امارات عضو در دوران پیش از تشکیل اتحادیه را رسماً تعهدات خود دانسته و طی اطلاعیه‌ای که در اکتبر همان سال میان نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل متحد منتشر کرده از ایران خواسته است که به مفاد تفاهم نامه ۱۹۷۱ خود با شارجه پایبند باشد. به این ترتیب، ادعای امارات نسبت به جزایری که پیش از تشکیل فدراسیون امارات متحده عربی، به موجب قرار داد رسمی و پذیرفته شده از سوی همان فدراسیون، به ایران بازگشت داده شده، غیر قانونی است.

۲. تفاهم نامه نوامبر ۱۹۷۱ ایران و شارجه در مورد جزیره ابو موسی سندی رسمی است که به هیچ دولتی اجازه دخالت نمی‌دهد. همچنین بازگرداندن جزایر تنب به ایران توسط بریتانیا بر اساس تفاهمی نانوخته صورت گرفت، چرا که از دید ایران، هر گونه توافق نوشته، ممکن بود در مورد حاکمیت و مالکیت مطلق ایران بر این دو جزیره جای تردید بگذارد. با این حال، نماینده بریتانیا در سازمان ملل متحد در ۹ دسامبر ۱۹۷۱ رسماً این تفاهم‌ها را سر مشقی برای حل مسائل مشابه در جهان اعلام کرد. به این ترتیب، بی‌اعتنایی ابوظبی به اصل یاد شده، ادعاهای سرزمینی امارات نسبت به جزایر تنب و ابو موسی را غیر قانونی

○ در جنجال تبلیغاتی بزرگی که ایالات متحده آمریکا در دو سال اخیر بر ضد ایران به راه انداخته است و می‌خواهد بایستی به تهمت تلاش برای دستیابی به جنگ افزارهای اتمی، این کشور را با اصطلاح تنبیه کند، اتحادیه اروپا کوشیده است و می‌کوشد ضمن جلوگیری از تجاوز کاری‌های خلاف اصول نسبت به ایران، این کشور را برای مقاصد گوناگون دیگر زیر فشار بگذارد.

را بررسی می کرد

آقای خاور سولانا، مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا می بایست بداند که تنهار بیس کشور در جهان که به هنگام طرح ادعاهای غیر قانونی ابوظبی کوشید در این ماجرا به سود امارات متحده عربی دخالت کند ولی با دریافت نامه اعتراض آمیز نگارنده دخالت های غیر قانونی اش را متوقف ساخت، ملک فهد پادشاه عربستان بود. متن این نامه در زیر به نظر خوانندگان می رسد:

اعلیحضرت ملک فهد بن عبدالعزیز

ریاض

عربستان سعودی

اعلیحضرت، تا دو سال از اعلام ادعای بی پایه امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی تنب و ابو موسی گذشته است و ما، مردم ایران، در این مدت سکوت خود را ادامه داده ایم تا اگر این ادعاها پایه ای داشته باشد، فرصت نشان دادن این پایه ها و میانی در میان باشد. آنچه در این مدت روی داده است چیزی فراتر از هو و جنجال سیاسی بر ضد ایران در رسانه های گروهی عربی نبوده است. اکنون، در نهایت تأسف خیر یافته ایم که کار این جنجال بر انگیزی ها به جایی کشیده است که آن اعلیحضرت، در سخنان خود خطاب به شرکت کنندگان در مراسم حج سال جاری، در کمال صراحت از کشور ما خواسته اند این جزایر را که جزء لاینجزای خاک ایران است به کشور دیگری تحویل دهد.

به دنبال دریافت این خیر اسف انگیز، ما، گروهی از ایرانیان مقیم بریتانیا، گردهم آمده «کمیتة دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی ایران» را تشکیل دادیم و تصمیم گرفتیم با نوشتن این نامه سرگشاده، توجه آن اعلیحضرت را به نکات زیر جلب کنیم:

الف-

گفته های آن اعلیحضرت در مورد جزایر ایرانی تنب و ابو موسی مغایر سیاست یا ادعای اعلام شده دولت عربستان سعودی در زمینه غیر سیاسی بودن مراسم حج است و عدم صداقت در ادعای غیر سیاسی بودن مراسم حج را به نمایش می گذارد.

ب-

در حالی که حتی سازمان ملل متحد به خود اجازه نمی دهد به گروهی در بوسنی دستور دهد یک اینچ از خاک مورد ادعای خود را به گروه دیگری بدهد، برای نخستین بار در تاریخ شاهد آن هستیم که رئیس یک کشور به کشور دیگری توصیه می کند بخشی از سرزمین خود را به کشور سومی تحویل دهد. تردیدی نیست که این حرکت صلح و امنیت را در خلیج فارس به خطر انداخته و برادران مسلمان را به جان هم خواهد انداخت، و اگر اجازه داده شود به صورت سابقه ای در روابط بین المللی در آید، صلح و آرامش جهان بشری دچار خطرهای دهشت انگیز خواهد شد.

پ-

جزایر تنب و ابو موسی از آغاز تاریخ بشر متعلق به ایران بوده و هست و صدها سند معتبر ایرانی، عربی، انگلیسی و فرانسوی از قرون و اعصار گذشته، از جمله نزدیک به سی نقشه رسمی و نیمه رسمی مربوط به سده های هجدهم و نوزدهم که از دولت بریتانیا در دست است، گویای این حقیقت بی چون و چرای تاریخی است.

ت-

بریتانیا در سال ۱۹۰۲، به بهانه هایی، این جزایر را به زور از ایران گرفت و به تحت الحمایگان خود در آن سوی خلیج فارس داد. ۶۸ سال تلاش و مبارزه ایران سرانجام در سال ۱۹۷۱ بریتانیا را وادار ساخت تا به نمایندگی از سوی همان تحت الحمایگان خود با ایران به مذاکره پردازد و این جزایر ایرانی را به ایران بازگرداند. شماری از سران کشورهای عربی، از جمله اعلیحضرت فقید ملک فیصل بن عبدالعزیز و خود آن اعلیحضرت که در آن هنگام عنوان «شاهزاده فهد» را داشتید، از سوی نمایندگان رسمی ایران در جریان این مذاکرات و توافق ها و قرار دادها قرار گرفتید. شاید لازم باشد یاد آوری شود که عربستان سعودی در آن هنگام تنها از این پوزش می خواست که نمی تواند اقدام ایران را در بازپس گرفتن این جزایر مورد پشتیبانی آشکار قرار دهد. همین سیاست و گفته های خصوصی رهبران سعودی در آن هنگام تردیدی باقی نگذاشت که شما موافق

○ گر چه ابوظبی با تو سئل

به تعاریف غیر قانونی می کوشد جنبه ای مشروع و قانونی به ادعاهای سرزمینی خود دهد، ولی واقعیت از دید ایران این است که

اختلافی در میان نیست و

آنچه هست محلود می شود

به ادعاهای بی پایه و اساس

ابوظبی نسبت به خاک

ایران. اتحادیه اروپا با صدور

بیانیه مشترک و ذکر واژه

«اختلافها» میان ایران و

امارات، که خواسته ابوظبی

بوده است، آشکارا جانب

امارات را گرفته و از حالت

بیطرفی خارج شده است.

احقاق حق ایران در این مورد بوده و این احقاق حق را به گونه‌ی تضمینی تأیید کرده‌اید.

کشمکش‌های سیاسی-اقتصادی-استراتژیک یا اختلاف‌های ایدئولوژیک با یکدیگر باشند، اما هنگامی که ادعای نسبت به سرزمین کشوری پیش آید، مدعیان خود را مستقیماً در برابر همه‌ی شهروندان آن کشور قرار می‌دهند. به این ترتیب سخنان اخیر آن اعلیحضرت در مورد جزایر ایرانی تنب و ابو موسی، دولت عربستان سعودی را مستقیماً با ملت ایران طرف ساخته و این رویدادی است بس اسف‌انگیز که ملت ایران را بر دولت آن اعلیحضرت می‌شوراند.

شاید دولت عربستان سعودی نیازمند دستاویزی برای منحرف کردن افکار عمومی بین‌المللی از دخالت‌های خود در یمن و برپا کردن جنگ داخلی در آن کشور باشد، ولی ملت ایران اجازه نخواهد داد حرمت سرزمینی و تمامیت ارضیش دستاویز چنین بازی‌هایی قرار گیرد.

باتوجه به آنچه گفته شد، کمیته دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی ایران، سخنان آن اعلیحضرت در مورد جزایر ایرانی تنب و ابو موسی را دخالت مستقیم در امور داخلی ایران و اهانت به تمامیت ارضی کشورمان می‌داند و سخت‌بدان اعتراض می‌کند.

اعلیحضرتنا، ملت ایران، چنان که در برابر ادعاهای سرزمینی عراق و جنگی که حکومت بغداد به پشتیبانی دولت شما و دیگر دولتها به کشور ما تحمیل کرده بود، نشان داد، نسبت به تمامیت ارضی کشور خود سخت حساس است و جان بر کف در برابر مدعیان و پشتیبانان آنان ایستادگی و توطئه بر ضد تمامیت ارضی کشور خود را خنثی خواهد کرد.

ملت ایران هر گونه چشم‌داشت دیگران به سرزمین خود را سخت محکوم می‌کند و مسلح به سلاح ایمان به‌خدا بزرگو میهن‌عزیزش، به هیچ قدرتی در جهان اجازه نخواهد داد که تمامیت ارضی کشورش را مورد اهانت قرار دهد.

با احترامات فائقه  
کمیته دفاع از منافع ملی و تمامیت ارضی ایران  
لندن، ۷ خرداد ۱۳۷۳ برابر با ۲۸ مه ۱۹۹۴

گرچه این نامه پاسخی از سوی پادشاه عربستان نداشته است، ولی از آن تاریخ ایشان هرگز در مراسم

اکنون اگر کسانی هستند که این حقایق تردیدناپذیر تاریخی را دیگر نمی‌پذیرند و پس از بیست و یک سال سکوت و رضایت آمیز، ناگهان مالکیت این جزایر ایرانی را ادعا دارند، نخست باید این ادعا را ثابت کنند و آنگاه سخن از گرفتن این جزایر به میان آورند. حتی در آن صورت غیرممکن نیز هیچ کشور سومی حق دخالت مستقیم در چنین مواردی نخواهد داشت.

در اینجا باید یادآوری شود که امارات متحده عربی و بارانش یک بار در دسامبر ۱۹۷۱ به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت بردند، ولی نتوانستند هیچ چیزی را ثابت کنند و سرخورده بازگشتند.

بازگشت دو جزیره تنب بزرگو و تنب کوچک به ایران در نوامبر ۱۹۷۱ بر اساس مذاکره و توافق میان ایران و بریتانیا، به نمایندگی رسمی و قانونی از سوی امارات، و بازگشت بخشی از جزیره ابو موسی به حاکمیت رسمی و قطعی و دائم ایران بر پایه همان مذاکرات و توافق‌ها و مبتنی بر تفاهم‌نامه نوامبر ۱۹۷۱ بوده که به امضای ایران و شارجه رسیده است. این توافق‌ها و قرارها اصل حقوق بین‌المللی "pacta tertiis nec nocent nec prosunt" را اجاری می‌سازد. برابر این اصل است که وضع موجود میان ایران و امارات به دولت یا دولت‌های دیگر حق دخالت نمی‌دهد.

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس میان برخی از کشورهای کرانه‌ای خلیج فارس نمی‌تواند وظیفه یا تعهدی برای کشور دیگری خارج از آن شور ایجاد کند. به گفته دیگر، اگر عضویت در چنین شورایی دستاویز دخالت یکی از اعضای آن شور در قبول و قرارهای موجود میان یکی دیگر از اعضای آن شور یا کشور سومی قرار گیرد، صلح و آرامش منطقه به خطر خواهد افتاد.

دولت‌های گوناگون ممکن است درگیر

○ در نشست شورای عالی اتحادیه امارات در ۱۲ مه ۱۹۹۲، حاکم شارجه که طرف اصلی قرار داد با ایران در مورد ابو موسی است، از تفویض اختیارات خود به دولت اتحادیه خودداری و با اعلام این که «ما با ایران قرار دادی رسمی داریم و از این وضع راضی هستیم» جلسه شورای عالی را ترک کرد.

نیروهای موشکی در ابوموسی، در تنگه هرمز» یاد کرده است.

نخست، اگر این نقل قول مورد تأیید باشد، آیا درست نیست که متن آن مربوط به موضوعی می شود که می تواند سبب تفرقه میان ملت های منطقه گردد؟ به این دلیل، امیدوارم همزمانی بیان شدن این مطالب با تلاش مشمشز کننده اسرائیل در راستای گستراندن سیاست غیر فلسطینی کردن اراضی فلسطین، بویژه در بیت المقدس خاوری، که ایرانیان و عربیان را به هم نزدیک می کند، چیزی بیش از یک تصادف نبوده باشد.

از سوی دیگر، قابل درک است که دولت پادشاهی بریتانیا ممکن است نیاز داشته باشد تا آنجا که از دستش برمی آید به امارات خلیج فارس اسلحه بفرود؛ ولی درستی چنین کاری از دید اخلاقی، آنهم به بهای خدشه دار کردن وقار ملی و تمامیت سرزمینی دیگر ملت ها، یابه بهای به خطر افکندن موازنه نظامی در منطقه ای که برهم خوردن این موازنه صلح و امنیت را تهدید خواهد کرد، پرسش برانگیز است.

دوم، درک این نکته دشوار است که چگونه وزیر جزیره کشوری می تواند موجودیت جغرافیایی کشوری دیگر را در منطقه مربوطه اش مورد پرسش قرار دهد. ایران بزرگترین و مهمترین کشور خلیج فارس است که صلح و امنیت آن منطقه برایش اهمیت حیاتی دارد. چگونه چنین کشوری با چنین منافع حیاتی که در صلح و امنیت منطقه اش دارد، می تواند متهم به تهدید صلح و امنیت در همان منطقه گردد؟ چگونه می تواند کسی بریتانیای کبیر را، برای مثال، متهم به تهدید صلح و امنیت در کانال انگلیس (دریای مانش) نماید، هر چند امنیت کانال انگلیس برای بریتانیا، به اندازه نیمی از امنیت خلیج فارس برای ایران، اهمیت حیاتی ندارد.

گذشته از این، وضع جزیره ابوموسی زیر پوشش سند استوار بر توافق است که به امضای ایران و شارجه رسیده است و آنجا که چنین قرارداد وجود داشته باشد، اصل بین المللی «pacta tertiis nec nocent nec prosunt» «اگر قرارداد میان دو دولت

حج یا مر اسم دیگری از ادعاهای غیر قانونی ابوظیبی نسبت به خاک ایران سخن نگفته اند و دولت عربستان کوشیده است و می کوشد به رفع سوء تفاهم های دامن زده شده از سوی ابوظیبی کمک کند.

کمترین انتظار از مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا این بود که پیش از هر کار، پرونده های موجود در وزارت خارجه بریتانیا (عضو مهم اتحادیه اروپا) در مورد این جزایر را بخواند و بررسی کند تا دریابد که بازگرداندن جزایر تنب و ابوموسی به ایران امری یکسره قانونی نبوده و ادعاهای ابوظیبی بی پایه و غیر قانونی است. اگر خاویر سولانا پرونده های مربوط در وزارت خارجه بریتانیا را می دید در می یافت که یک بار پیش از ایشان، در یک فاجت فقیده، معاون وزیر خارجه بریتانیا، در صد اقدامی مشابه بود که نگارنده از راه مکاتبه با وی، از کارهایی که می توانست برخلاف مقررات بین المللی صورت پذیرد، جلوگیری کرد. متن این نامه ها (که اکنون از اسناد وزارت خارجه بریتانیا شمرده می شود) در زیر می آید:

تاریخ: ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۷

شماره:

۱۹ تیر ماه ۱۳۷۶

عالیجناب در یک فاجت

وزیر جزیره در امور خارجی

وزارت امور خارجه و مشترک المنافع

لندن

عالی جناب،

من این نامه را می نویسم تا تأیید یا عدم تأیید شما را از گزارشی استفسار کنم که در القدس العربی لندن (جمعه ۴ ژوئیه ۱۹۹۷) چاپ شده است. در این گزارش آمده است که در دیدار اخیرتان از امارات متحده عربی و در نشست با نمایندگان مطبوعات عربی در لندن گفته اید: «اگر دولت های امارات متحده عربی و ایران مسئله اختلاف بر سر سه جزیره در محل نکنند، چاره ای باقی نخواهد ماند جز دخالت جامعه بین المللی برای حل مسئله».

فراتر از شما نقل شده است که اشاره به «موجودیت ایران در منطقه» داشته اید و «تهدیدی که از این موجودیت ناشی می شود». در این زمینه، روزنامه پادشاه افزوده است که «وزیر بریتانیایی از ساختن فرودگاه و استقرار

○ جزایر تنب و ابوموسی از آغاز تاریخ بشر متعلق به ایران بوده و هست و صد هاست معتبر ایرانی، عربی، انگلیسی و فرانسوی از قرون و اعصار گذشته، از جمله نزدیک به سی نقشه رسمی و نیمه رسمی مربوط به سده های هیجدهم و نوزدهم که از دولت بریتانیا در دست است، گویای این حقیقت بی چون و چرای تاریخی است.

باشد، حقیقی و مسئولیتی برای کشوری ثالث ایجاد نمی شود»، حاکم است. به هر روی، سخنان آن عالی جناب پر سشهایی پیش می آورد که ارزش بر شمردن دارد:

۱. روشن نیست در این بیانات از چه «مسئله» ای سخن به میان آمده است. آنچه روی داده این است که امارات متحده عربی ادعای حق مالکیت نسبت به سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابو موسی را در اکتبر ۱۹۹۲، یعنی هنگامی مطرح ساخته که حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس دایمی شده است. این جزیره ها، چنان کهوزارتخانه شمایه خوبی آگاه است و نیز به گواهی اسناد فراوان، از آغاز تاریخ به ایران تعلق داشته است.

در سال ۱۹۰۳ دولت هند بریتانیا، به دلایل استراتژیک مربوط به خود، شیوخ منطقه قبایله ای شار جم را که آن هنگام از بعد سرزمینی بی بهره بود، وادار کرد بر جم قبایله ای خود در جزیره های مورد بحث برافرازند. ایران تقریباً بی درنگ به این کار اعتراض کرد و در چند مرحله اشغال این جزیره ها، با پشتیبانی بریتانیا، از سوی شار جم و رأس الخیمه منقطع ساخت، تا سال ۱۹۷۰ که اعتراض های نیرومند ایران سرانجام بریتانیای کبیر را واداشت تا این مسئله را از راه مذاکره حل کند. گفتگوهایی که توسط سرو و بلیام لوس با ایران پی گیری شد، ماهها به درازا کشید و سرانجام به این نتیجه رسید که دو جزیره تنب بطور کامل به ایران پس داده شود و در مورد ابو موسی، اعمال حاکمیت مشترک ایران-شارجه در نظر گرفته شود. تفاهم نامه ۲۷ نوامبر ۱۹۷۱ از سوی ایران و شارجه، با نظارت وزارت امور خارجه و مشترک المنافع بریتانیا، به امضاء رسید.

۲. بازگشت سه جزیره یاد شده به ایران روز ۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ صورت گرفت، در شرایطی که نیروهای ایرانی در جزیره ابو موسی مورد استقبال برادر حاکم شارجه قرار گرفتند و در حالی که بریتانیا هنوز مسئول روابط خارجی و دفاع سرزمینی امارات تحت الحمایه ای بود که چند روز پس از آن به امارات متحده عربی تبدیل شدند. اگر در آن هنگام، اقدامی غیر قانونی یا نادرست صورت گرفته بود، بریتانیا، دست کم، می بایست ابراز نگرانی یا اعتراضی شفاهی

کرده باشد، حال آنکه نماینده دائم بریتانیا در شورای امنیت سازمان ملل متحد در نشست ۹ دسامبر ۱۹۷۱ شوراه از اینکه این ترتیبات و توافق ها به صلح و امنیت در منطقه کمک خواهد کرد، اعلام «رضایت» نمود.

۳. بیست و یک سال از دسامبر ۱۹۷۱، یعنی هنگامی که بریتانیا از منطقه خارج شد، گذشت تا اکتبر ۱۹۹۲ که ایالات متحده حضور نظامی خود را در منطقه دایمی کرد. در این مدت امارات متحده عربی هیچ ادعایی نسبت به این جزیره ها نداشت، اما به محض اینکه ایالات متحده سیاست بیگانه ساختن ایران در خلیج فارس را به اجرا گذاشت، امارات متحده عربی نیز ادعای پر سرو و صدای خود را نسبت به این جزیره ها آغاز کرد و از آن زمان همه تلاش خود را برای سیاسی و بین المللی کردن این مسئله به کار گرفته است.

۴. عراق، لیبی، الجزایر و یمن جنوبی پیشین در مورد بازگشت این جزیره ها به ایران، شکایتی نزد شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح کردند. در دسامبر ۱۹۷۱ نمایندگان کویت و امارات متحده عربی نیز به مذاکرات مربوطه پیوستند. اما شورای امنیت «بی هر گونه اعتراض» تصمیم گرفت که این شکایت را مردود شمارد و پرونده اش را ببندد. بر سش این است: اگر تصمیمات شورای امنیت سازمان ملل متحد بویژه از سوی يك عضو دائم مانند بریتانیا مورد بی اعتنائی قرار گیرد یا گزارده شود، سابقه ای برای تهدید شدن صلح و امنیت جهانی به وجود نخواهد آمد؟

۵. سخن شما درباره ساختمان فرودگاه از سوی ایران در ابو موسی ناراست است. بی گمان اصلاح و مرمت به يك باند ابتدایی برای افزایش دادن امنیت رفت و آمدهای محلی نمی تواند به عنوان ساختن يك «فرودگاه» و وحشت انگیز تعریف شود. فراتر، با توجه به اینکه امارات متحده عربی بر نامه های عمرانی بسیاری در بخش مربوط به خود در آن جزیره اجرا کرده است، چگونه اقدام مشابه ایران در بخش ایرانی می تواند مورد انتقاد قرار گیرد؟

۶. بر اساس همین منطق، روشن نیست که در کجای تفاهم نامه ۱۹۷۱، ایران یا شارجه از اجرای بر نامه های عمرانی در بخش مربوط به

○ بازگشت دو جزیره تنب بزرگ و تنب کوچک به ایران در نوامبر ۱۹۷۱ بر اساس مذاکره و توافق میان ایران و بریتانیا، به نمایندگی رسمی و قانونی از سوی امارات، و بازگشت بخشی از جزیره ابو موسی به حاکمیت رسمی و قطعی و دائم ایران بر پایه همان مذاکرات و توافق ها و مبستنی بر تفاهم نامه نوامبر ۱۹۷۱ بوده که به امضای ایران و شارجه رسیده است.

خود در آن جزیره منع شده اند؟  
۷. در دیار اگر از ماده ۲ تفاهم نامه یاد شده آمده است:

الف) در درون منطقه مورد توافق که در اختیار نظامیان ایران است، ایران حاکمیت کامل دارد و پرچم ایران افرشته خواهد بود.

ب) شارجه بر باقی مانده جزیره حاکمیت کامل دارد. افرشته بودن پرچم شارجه بر فراز قرارگاه پلیس شارجه بر اساس همان زمینه ای ادامه خواهد یافت که پرچم ایران بر فراز قرارگاه نظامی ایران بر افرشته خواهد بود.

در حالی که این ماده از تفاهم نامه که از سوی ایران و شارجه، با نظارت وزارت امور خارجه و مشترک المنافع بریتانیا امضاء شده است، آشکارا به ایران حق داشتن تأسیسات نظامی بی هر گونه محدودیت در بخش ایرانی جزیره ابو موسی می دهد، ترمیم و بهسازی تأسیسات نظامی ایران در آن بخش از جزیره، اگر واقعیت داشته باشد، چگونگی می تواند مورد پرسش قرار گیرد؟

۸. شاید گفتنی باشد که با وجود بزرگ نمایی اهمیت استراتژیک جزیره ابو موسی «در دهانه تنگه هرمز» در دهه ۱۹۷۰، این جزیره نزدیک به یکصد مایل از تنگه هرمز دور است و نزدیک به میانه خلیج فارس با فاصله هایی نسبتاً برابر از کرانه های ایران و شارجه واقع است. ابو موسی، به تنهایی، اهمیت استراتژیک اندکی دارد، اما هر گونه سخن پیرامون جدا کردن این جزیره از ایران، حساسیت ایران را نسبت به تمامیت سرزمینی اش بر خواهد انگیزد.

در پایان، با حفظ احترامات باید بگویم در اینکه سخنان جناب عالی با سیاست رسمی و اعلام شده بریتانیا در مورد وضع این سه جزیره همخوان باشد، تردید دارم؛ سیاست رسمی و اعلام شده ای که، تا آنجا که می دانم، عبارت است از: «پشتیبانی از هر تصمیمی که ایران و امارات متحده عربی، با رضایت و تمکین متقابل، بگیرند». بدیهی است که از توصیف پیشنهاد جناب عالی در زمینه دخالت باصطلاح «جامعه بین المللی» (که در واقع، چیزی جز باشگاه انحصاری یاران ایالات متحده نیست) در این مسئله خودداری خواهیم ورزید. ولی، اگر ایران، برای مثال، خواهان دخالت «جامعه

جهانی» در مسئله ادعای فرانسه نسبت به جزایر کانال انگلیس یا ادعای آرژانتین در مورد جزایر فالکلند می شد، مطمئن هستم هیچ کس در بریتانیا در توصیف آن به عنوان «زیاده گوئی»، «اقدام غیر مسئولانه»، یا حتی «ماجرای اجویی بین المللی»... تردید نمی کرد.

در عین حال، گمان می کنم بیان این نکته بیجا نباشد که شصت میلیون ایرانی به گونه طبیعی نسبت به یکپارچگی ملی و سرزمینی خود به همان اندازه حساسند که هر ملت دیگری می تواند نسبت به یکپارچگی ملی و سرزمینی خود حساس باشد. ممکن است دولت هاراه دوستی یا دشمنی با هم را در پیش گیرند، ولی احترام حکومت های مستقل به استقلال و تمامیت سرزمینی یکدیگر، اصلی است مورد احترام جهانی که بسی بالاتر از مسائلی چون مسابقه اقتصادی، رقابت های سیاسی یا دشمنی های ایدئولوژیک قرار می گیرد.

با عالی ترین احترامات پیروز مجتهدزاده ارادتمند شما  
مدیر عامل موقت  
در پاسخ به این نامه، وزارت خارجه بریتانیا در تاریخ اوت ۱۹۹۷ نوشت:

آقای پیروز مجتهدزاده

انجمن دفاع از تمامیت سرزمینی ایران  
لندن

آقای مجتهدزاده عزیز

از نامه مورخ ۱۰ ژوئیه شما به آقای فاجیت درباره اختلاف ایران و امارات متحده عربی بر سر ابو موسی و تنبها، سپاسگزارم. از من خواسته شده است که پاسخ دهم:

ما خواهان حل مسالمت آمیز این مسئله هستیم. البته به امارات متحده عربی و ایران مربوط است که در مورد چگونگی برآورده ساختن این هدف تصمیم بگیرند.

ما آشکار ساخته ایم که از هر راه حل مؤثر که مورد قبول دو طرف باشد، پشتیبانی خواهیم کرد، از جمله این که موضوع به دیوان بین المللی ارجاع شود، تا اختلافها بر طرف گردد و در نتیجه تهدید نسبت به امنیت منطقه ای کاهش یابد.

ارادتمند شما  
پیتر آجیبولا

○ دولت های گوناگون ممکن است درگیر کشمکش های سیاسی-اقتصادی-استراتژیک یا اختلاف های ایدئولوژیک با یکدیگر باشند، اما هنگامی که ادعای نسبت به سرزمین کشوری پیش آید، مدعیان خود را مستقیماً در برابر همه شهروندان آن کشور قرار می دهند.



در پاسخ به این یادداشت که تاوه فارس، نگارنده در تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۹۷ به معاون وزارت خارجه بریتانیا نوشت:

### عالیجناب آقای دریک فاتچت

وزیر در امور خارجی  
وزارت امور خارجه و مشترک المنافع

از نامه مورخ ۱۲ اوت ۱۹۹۷ اداره خاورمیانه وزارت امور خارجه و مشترک المنافع از سوی جنابعالی، در پاسخ به نامه مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۷ اینجناب به نمایندگی از انجمن دفاع از تمامیت سرزمینی ایران، سپاسگزارم.

گرچه اطمینان حاصل شد که درست بودن مطالب نقل شده از شما در ادعای امارات متحده عربی نسبت به جزایر ابوموسی و تنبها در روزنامه القدس العربی مورد تأیید ضمنی است، متأسفانه توضیحات شما در نامه جوابیه رضایت بخش نیست، زیرا:

۱- اگر قرار باشد دولت بریتانیای کبیر از «هر راه حل مؤثر که مورد قبول دو طرف در این مسئله باشد» حمایت کند، این حمایت باید شامل هم‌راه حل‌های مؤثر باشد، بی آنکه امکان ویژه‌ای از میان امکانات گوناگون مورد تأیید قرار گیرد.

۲- در نامه جوابیه یاد شده، ذکر پشتیبانی از ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی، که مورد درخواست امارات متحده عربی است، گویای جهت‌گیری شما، در این زمینه، به طرفداری از دعاوی امارات متحده عربی است، و این جهت‌گیری با آنچه پیشتر در نامه شما آمده است، مغایرت دارد؛ ذکر اینکه «ما خواهان حل مسالمت‌آمیز این اختلاف هستیم. البته به امارات متحده عربی و ایران مربوط است که در مورد چگونگی برآورده ساختن این هدف تصمیم بگیرند»، به ظاهر برای آن است که بریتانیای کبیر در این زمینه بی‌طرف به نظر آید.

۳- دعاوی امارات متحده عربی نسبت به این جزایر هنگامی مطرح شده که حضور نظامی ایالات متحده در منطقه دائمی گردیده، و درخواست ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی

○ ممکن است دولت‌ها راه دوستی یا دشمنی با هم را در پیش گیرند، ولی احترام حکومت‌های مستقل به استقلال و تمامیت سرزمینی یکدیگر، اصلی است مورد احترام جهانی که بسی بالاتر از مسائلی چون مسابقه اقتصادی، رقابت‌های سیاسی یا دشمنی‌های ایدئولوژیک قرار می‌گیرد.

یاهر مرجع بین‌المللی دیگر، از سرعوا مقریبی و به منظور ارائه چهاره‌ای صلح‌جواز خود در این بر خورر صورت گرفته است، در حالی که صرف طرح ادعای مالکیت نسبت به جزایری که اختلاف بر سر آنها پیشتر از راه مذاکره بر طرف شده است، خلاف ادعای صلح‌خواهی و طرفداری از امنیت در منطقه، و نشان‌دهنده عهدشکنی آشکار امارات متحده عربی نسبت به مصالحه ۱۹۷۱ انگلیس-شماره‌بایران است. مایشستیبانی از این موضع‌گیری ویژه امارات متحده عربی را که در سخنان شما و در نامه جوابیه اداره خاورمیانه وزارت خارجه و مشترک المنافع به من آمده است شگفت‌انگیز می‌شماریم، زیرا:

الف هنگامی که ایرانیان در جریان مذاکرات دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ با اصرار از بریتانیای کبیر می‌خواستند با ارجاع اختلافها بر سر این جزایر به داوری بین‌المللی موافقت کند، دولت بریتانیای کبیر سخت مخالفت می‌ورزید و استدلال می‌کرد که این اختلافها مربوط به بریتانیا و ایران می‌شود و نیازی به مداخله طرف ثالث نیست.

ب- برخی گردنکشان سیاسی در منطقه، از جمله صدام حسین عراقی، در مورد توافق‌های ۱۹۷۱ انگلیس-شماره‌بایران بر سر ابوموسی و توافق انگلیس-ایران در خصوص دو تنب به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت بردند. وزار تخانه شما آگاهی کامل دارد که این شکایت پس از بررسی در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۷۱، از سوی شورای امنیت رد شده و نماینده دائم بریتانیای کبیر در سازمان ملل متحد نه تنها «بر آیند کلی» تر تیبات مورد مذاکره میان بریتانیا و ایران را بعنوان دستاوردی مثبت و کمکی به صلح تعریف کرده، بلکه گفته است که این دستاورد «نمایندز مینه‌ای منطقی و پذیرفتنی است برای آینده منطقه» خلیج فارس.

از آنجا که بریتانیای کبیر به پایبندی به قول و قرار هایش مشهور است، مایلیم بپرسیم این ترك آشکار موضع تقریباً سی ساله در قبال موضوع بازگشت جزایر ابوموسی و دو تنب به ایران، نشان‌دهنده چیست؟ و این رفتار چه سابقه‌ای در

روابط بین الملل پدید خواهد آورد؟ و اگر قرار باشد مسائل حل و فصل شده از راه مذاکره یا داوری مراجع بین المللی، به منظور دستیابی به هدف های سیاسی گوناگون در زمان های مختلف، دوبار و سه باره زنده و مطرح شود، چه بر سر ثبات جهانی خواهد آمد؟ آیا درست خواهد بود که دولت های دارای مسئولیت، مانند دولت بریتانیای کبیر، از چنین رفتار های خطرناکی پشتیبانی کنند؟

۴- اگر قرار شود برخی سیاستمداران یک کشور به هوس طرح ادعای نسبت به سرزمینی که به کشور دیگری تعلق دارد بیفتند دولت ثالثی، با نامود کردن اینکه این موضوع واقعا مسئله مورد «اختلاف دو طرف» است و باید به دادگاه بین المللی ارجاع شود، از چنین ادعاهای هوس آمیز پشتیبانی کند، بی گمان دنیای پر هرج و مرج و پر خطری درست خواهد شد. چنانچه کشورهای دیگر، برای مثال، استدلال کنند که ادعای فرانسه نسبت به جزایر کانال انگلیس (دریای مانش) و ادعای آرژانتین نسبت به جزایر فالکلند باید به دیوان بین المللی ارجاع شود، بی تردید نیسای خطر آلودی در پیش خواهیم داشت.

۵- از آخرین عبارت نامه جوابیه شما: «برای حل مسئله و در نهایت برای کاهش دادن تهدید نسبت به امنیت منطقه ای»، چنین بر می آید که از دید شما این باصطلاح «اختلافها» بر سر جزایر تنب و ابو موسی امنیت منطقه ای را تهدید می کند و این، با واقعیت های ژئواستراتژیک و تاریخی منطقه مغایرت دارد. چنان که وزارتخانه شما نیک آگاه است، ادعاهای متقابل در مورد این جزیره های ایرانی از سال ۱۸۸۷ آغاز شده ولی هیچ گاه «تهدیدی نسبت به امنیت منطقه» شمرده نشده است. حتی در بهار ۱۹۷۱ هنگامی که دولت ایران به نیروی دریایی خود در خلیج فارس دستور داد به سوی هوایماهای جنگی انگلیسی پرواز کننده بر فراز این جزیره ها آتش بگشایند، این وضع «تهدیدی نسبت به امنیت منطقه» دانسته نشد.

آنچه در واقع صلح و امنیت را در خلیج فارس تهدید می کند، ادامه یافتن بی دلیل حضور نظامی ایالات متحده آمریکا است که تجاوز های بیوسسته و عمدی نیروهای آن به آبهای سرزمینی و حریم هوایی ایران و اختلال آنها در رفت و آمد کشتی های ایرانی در خلیج فارس بر پر و نده مستندی نزد سازمان ملل متحد دارد. این کار های تحریک آمیز که آشکارا بر ای ماجراجویی نظامی در منطقه، و شاید برای توجیه ادامه چیرگی نظامی ایالات متحده بر خلیج فارس و تحمیل خرید خیل عظیم سلاح های غیر ضروری به دولت های عربی منطقه صورت می گیرد، منبع اصلی خطر برای امنیت منطقه است.

عالیجناب، با توجه به این حقایق و مطالبی که در نامه مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۹۷ من گنجانده شده است، مایلم اعتراض شدید این انجمن را نسبت به هر گونه دخالت کشور ثالث، به هر شکل و شیوه به سود ادعاهای بی پایه، هوس آمیز، بی دلیل ولی خطرناک امارات متحده عربی در مورد جزایر ایرانی ابو موسی و تنب بزرگ و تنب کوچک، یا هر موضوع دیگری که به تمامیت سرزمینی ایران مربوط شود، ابراز کنم.

ارادتمند شما پیروز مجتهدزاده مدیر عامل موقت انجمن دفاع از تمامیت سرزمینی ایران

گرچه نامه دوم نگارنده، به علت اعلام اعتراض سخت، بی پاسخ ماند، ولی در یک فاجت، همه کارهای آغاز شده را متوقف ساخت. این دیپلمات جوان که سرانجام نشان داد از حسن نیت لازم برخوردار است، اندکی پس از این مکاتبه زندگی را بدرود گفت.

### پی نوشت:

+ متن نامه هادر این نوشتار، از کتاب «نامه های از ایران» اثر نگارنده (گردآوری توسط آقای مرتضی قورچی) به دوزبان فارسی و انگلیسی تنظیم شده و بزودی از سوی انتشارات عطائی در تهران به بازار خواهد آمد، گرفته شده است.

+ نقل همه یا بخشی از این نوشته با ذکر مأخذ مجاز است.

+ هر گونه تلاش برای تطبیق دادن موارد مذکور در این نوشته با اصول و مقررات بین المللی، در صورت ذکر مأخذ اصلی، مجاز است.

○ ادعای مالکیت نسبت به جزایری که اختلاف بر سر آنها پیشتر از راه مذاکره بر طرف شده است، خلاف ادعای صلح خواهی و طرفداری از امنیت در منطقه، و نشان دهنده عهد شکنی آشکار امارات متحده عربی نسبت به مصالحه ۱۹۷۱ انگلیس- شارجه با ایران است.